

## صحيفة الحسين عليه السلام

[ 29 ] سپاس خدا را که کار سادات جوانان بهشت را به سعادت پایان داد، بهشت را برای آنان واجب ساخت، از خدا می‌خواهم رتبه‌های آنان را فراتر برد، و رحمت خود را بر آنان بیشتر گردانم، چه او کار داری تواناست." این سخنان آنچنان تأثیری بر حاضران گذاشت که یزید با دیدن آثار و علائم ناخوشایندی در چهره ایشان گفت: خدا بکشد پسر مرجانه را، من راضی به کشتن حسین نبودم. خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام توقف اسیران در شهر شام برای آنان فرصت خوبی بود تا مردم شام، که در اثر تبلیغات سالیان متمادی معاویه شناخت صحیحی از اسلام و خاندان پیامبر نداشتند، را آگاهی دهند، از اینرو امام سجاد (علیه السلام) و عمه اش حضرت زینب از این فرصت‌ها به خوبی استفاده کردند و از هر مناسبتی در این زمینه بهره‌برداری نمودند. روایت شده روزی یزید دستور داد منبری گذاشته تا خطیب بر فراز آن رفته، و در نکوهش حضرت علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) سخنانی را برای مردم ایراد کند، خطیب بالای منبر رفت و پس از حمد و ستایش خداوند سخنان زیادی را در نکوهش آنان بیان نمود، و سپس در مدح و ستایش معاویه و یزید سخن گفت و از آنان به نیکی یاد کرد. امام سجاد (علیه السلام) از میان جمعیت بانگ زد: وای بر تو ای خطیب، خشنودی خلق را به خشم خالق خریدی و جایگاهت را در آتش دوزخ آماده کردی، سپس گفت: یزید اجازه می‌دهی بالای این چوبها !! رفته و

---